

## د: اوضاع سیاسی و فرهنگی

### ۱ - موقعیتهای حساس و سوق الجیشی جهان اسلام:

بطور کلی بدنه اصلی جهان اسلام از طریق خشکی و معبرهای آبی در مسیر شرق و غرب دنیای امروز قرار گرفته است. اجزاء پراکنده در داخل اقیانوسها و خشکیها نیز هر کدام از موقعیت سوق الجیشی مهمی برخوردارند. جهان اسلام دارای چند تنگه و منطقه سوق الجیشی است که هر کدام از آنها تنهایی می توانند نقش بزرگی در ارتباط شرق و غرب داشته باشند و استعمار در گذشته و حال کوشیده است تا بهر نحو که شده تسلط مرئی یا نامرئی خود را بر این مناطق حساس حفظ کند. تنگه مالاکا با بندر معروف سنگاپور بین شبه جزیره مالاکا و سوماترا، رابط میان اقیانوس کبیر و هند می باشد. شبه جزیره مالاکا مدتها در دست هر یک از عمال استعمارگر بود و پس از آزادی از قید استعمار جدا شدن یک بندر از مالزی در موقعیت سوق الجیشی بسیار مهم، و تشکیل یک کشور به نام سنگاپور با محدوده ارضی بوسعت یک بندر اهمیت حساس آنرا نشان می دهد.

تنگه های مابین جزایر اندونزی هر کدام بطور فرعی می توانند به نسبت موقعیتهای نقش حساسی داشته باشند. تنگه باب المندب خط سیر بزرگترین کشتی های تجارتهای شرق و غرب، رابط بین اقیانوس هند و بحر احمر است. کانال سوئز ادامه راه بین اقیانوس هند و دریای مدیترانه می باشد که اهمیت موقعیت آن از جریانهای سیاسی و جنبه پندبهای روز بخوبی استنباط می شود و در داخل جهان اسلام قرار دارد.

تنگه جبل الطارق رابط دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس است که ساحل جنوبی آن در محدوده ارضی جهان اسلام قرار دارد. ارتباط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه از طریق دو تنگه معروف بسفر و دارداتل صورت می گیرد که هر دو مورد نظر شوروی است. ارتباط بیشتری از کشورهای اروپای جنوبی و مرکزی به دریای مدیترانه و از آنجا به سایر نقاط جهان از طریق دریای آدریاتیک و دریای سیاه صورت می گیرد. وجود قطعه آلبانی در مدخل راه دریای آدریاتیک اهمیت آن را برای جهان اسلام به اثبات می رساند.

خلیج فارس و دریای عمان نه فقط به خاطر منابع سرشار آن، بلکه بخاطر دسترسی به دریاها و گرم و آزاد همیشه مورد نظر شوروی می باشد.

(شوروی به دریای گرم و آزاد مطلوب راه ندارد و ارتباط از طریق دریای سیاه با جهان بوسیله تنگه های بسفر و دارداتل باید صورت گیرد و بنابراین، این تنگه ها و خلیج فارس و دریای عمان همیشه مورد نظر شوروی می باشد). وجود بنگلادش در رأس خلیج بنگال آن را به صورت دیده بانسی بر تمام خلیج مزبور برای جهان اسلام در آورده است. وجود جزایر مالدیو و کالدیو در داخل اقیانوس هند آنها را به صورت دیده بانسی بر قسمت اعظم اقیانوس در آورده است و قسمت زیادی از اقیانوس می تواند در محدوده حق حاکمیت جهان اسلام بدلیل موقعیتهای و خطوط ارتباطی بین بدنه اصلی و مجمع الجزایر اندونزی و میندانائو، قرار گیرد.

موقعیت مجمع الجزایر اندونزی و میندانائو و موقعیتهای حساس، در دریای مدیترانه می توانند بر حق حاکمیت جهان اسلام در اقیانوس کبیر و دریای مدیترانه بیفزایند.

از چنین موقعیتهای جهان اسلام در اقیانوس اطلس نیز به دلیل تماس قسمت زیادی از بدنه ساحل غربی آفریقا با آبهای آن برخوردار می شود.<sup>۱</sup>

### ۲ - یسواد:

یسواد گرچه بصورت یک مشکل عمومی در جهان مطرح است لیکن در جهان اسلام که از مجموعه جهان سوم می باشد با شدت و گستردگی زیادی عمدتاً بصورت یک بیماری عمومی در مناطق روستائی و عشایری وجود دارد و در مجموع زنان نسبت به مردان از این امر بیشتر رنج می برند. مشکل دیگر مسئله کم سوادی است بدین معنی که سطح سوادی در جهان اسلام نسبت به جهان به اصطلاح پیشرفته پائین تر است. مسئله بی سوادی و کم سوادی منجر به پائین بودن سطح فرهنگ و اطلاعات عمومی مردم و بیخبری آنان از مسائل سیاسی و اجتماعی و مسائل جهان میگردد و در حقیقت مقدار زیادی بیخبری مسلمین از سرنوشت و وضعیت خود معلول این بیماری گسترده می باشد و در چنین عالم بی خبری است که استعمار بپراحتی قادر به اجرای هدفها و سیاستهای خود و تشبیت حکومتهای دست نشانده خواهد بود و حکومتهای مستبد و ستمگر نیز خود را بر گردن مردم محروم تحمیل خواهند کرد. از جهت دیگر توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یک جامعه بمقدار زیادی به بالا بودن سطح سوادی عمومی و ریشه کن شدن یسواد ارتباط دارد.

## هـ: عوامل موثر در ایجاد اوضاع فعلی جهان اسلام:



عقب ماندگی میدانند. غربیان با استفاده از این خود باختگی واحساس حقارت مسلمین نسبت به انتقال وثیبت معیارهای فرهنگ غرب در جهان اسلام اقدام نمودند، آنها بر روی نظام آموزش وتعلیم وتریت جهان اسلام انگشت گذاشتند وآنها مطابق امیال و هدفهای خود شکل دادند تا محصول آن بطور خود کار مجری سیاستهای آنها باشد وشخصیت وهویت خود را متأسفانه در مکاتب فلسفی وسیاسی غرب وآچه مغرب زمین عرضه میکند ببیند.

آنها آداب و رسوم غرب را بر زندگی روزمره مسلمانان حاکم کردند. تحمیل فرم لباس پوشیدن. بی حجابی. گسترش مفاسد و احیاء روحیه حصیان علیه مذهب وغیره از برنامه های حساب شده وفرهنگی غرب می باشد.

حاکمیت نظام مالی وبانکی ونظام اقتصادی غرب در جهان اسلام وحاکمیت نظامهای حقوقی وغیره همه برنامه های حساب شده آنهاست. گسترش زبان و ادبیات انگلیسی وفرانسه وغیره وحتی بین المللی نمودن و اینکه فرزندان مسلمان ناچاراً باید نیروی خود را صرف یاد گرفتن اجباری آن بنمایند از نقشه های فرهنگی غرب است. بنابراین در اجرای حرکت انقلاب فرهنگی در جهان اسلام می بایست در همه زمینه ها وابعاد مختلف جامعه اسلامی معیارها واحکام اسلام پیاده گردد و رنگارهای فرهنگ غرب را بیرون بریزند. باید سعی گردد بجای زبان انگلیسی که یکی از عوامل مهم انتقال فرهنگ غرب می باشد زبان و ادبیات عرب که زبان ابلاغ آیات الهی بر بشریت کوه ارض است بصورت زبان بین المللی درآید.

### ۴- وابستگی سیاسی حکومتهای ممالک جهان اسلام:

ویژگی مشترک حکومتهای ممالک جهان اسلام بجز جمهوری اسلامی ایران عبارت از غیر الهی بودن آنها است بدین معنی که حاکمیت قانون خدا در نظام حکومتی آنان مطرح نیست و همه آنها نوعی از حکومتهای رایج دنیا که محصول تفکرات مغرب زمین ومکاتب فلسفی وسیاسی برخاسته از غرب میباشد را با تغییراتی پذیرفته اند. ویژگی دیگر حکومتهای آنان مخالفت با نهضت های اسلامی و هر تلاشی که در جهت احیاء اسلام وبرقراری نظام اسلامی صورت بگیرد میباشد. ویژگی دیگر

از آثار دیگر بیسوادی پائین بودن سطح زندگی وفقر وضعف بهداشت و درمان و مسائل سوء اجتماعی وغیره می باشد و در محیط بیسوادی است که عناصر فرهنگ بیگانه براحتی جای خود را باز می نماید و بیسوادی زنان در تربیت وتحصیل فرزندان وسرنوشت آنان از طرفی وحضور در صحنه های سیاسی واجتماعی نیز اثر سوء خود را بجا میگذارد فلذا لازمست با برنامه ریزی گسترده نسبت به ریشه کن نمودن عفریت بیسوادی اقدام گردد.

### ۳- فرهنگ زدگی و وابستگی فرهنگی:

خطرناکترین نوع وابستگی در حقیقت وابستگی فرهنگی است زیرا با اینکار اساساً یک جامعه به اسارت جامعه دارای فرهنگ غالب درآمده واین امر برای قرنهای تثبیت میگردد. غرب پس از کسب قدرت مادی و آتقاز حرکت استعماری خود در جهان سعی نمود فرهنگ خود را بهر شکل ممکن به کشورهای مستعمره و خصوصاً جهان اسلام منتقل وتحویل نماید فلذا می بینیم که پیشاپیش گروههای استعماری، مسیونرهای مذهبی جهت گسترش مسیحیت در حرکت بوده و با ساختن یتیم خانه ها، درمانگاهها ومؤسسات خیریه وغیره در جوامعی که پایه های مذهبی آنها ضعیف بوده ویا پیروان ادیان الهی نبوده همچون افریقا، امریکا هدفهای خود را اعمال نموده و بنیانهای استعمار واستعمار پذیری را تقویت نمودند. اگر چه در جهان اسلام بدلیل اصالت اعتقادات اسلامی در مردم نتوانستند مسیحیت را ترویج نمایند ولی عناصر فرهنگی غرب را بطرق مختلف در جهان اسلام نفوذ داده و هویت اسلامی را از مسلمانان گرفته و با ارزش کردن فرهنگ غرب مستقیم وغیر مستقیم عمدتاً مسلمین را بدنبال خود انداخته و در فکر و عمل تسخیر کرده و اسیر خود نمودند، تا جایی که نوعی خود باختگی فرهنگی واحساس حقارت وتسلیم محض وحشی علاقه نسبت به غرب در بین جوامع مسلمین بوجود آمده است ومتأسفانه چیزی پذیرفته و ارزشمند میگردد که غرب به پسندد و هر آنچه غرب نمی پسندد ولو اسلامی باشد، ارتجاع وعقب ماندگی ومتجدد نبودن به حساب می آید وتا آنجا پیش رفته است که با چماق نمودن اندک دست آورد علمی والفاظات غربیان، فرهنگ چپ و راست غرب به مذهب حمله کرده ومتجددین غرب زده در جهان اسلام به تبع آنها اسلام را عامل

وابستگی نظام حکومتی آنها به یکی از دو جناح قدرت استکباری جهان یعنی غرب (جهان سرمایه داری) و شرق (جهان سوسیالیسم) می باشد، زیرا همانطور که میدانیم جناحهای قدرت شیطانی جهان علیرغم وجود بعضی مجامع چون جامعه دول غیرمتعهد سعی نموده کشورهای مختلف بویژه جهان سوم را با خود هم پیمان نموده و در حقیقت هر یک از کشورها باید محلی در یکی از دو بلوک سرمایه داری یا سوسیالیسم را برای خود حفظ نماید و متأسفانه ممالک جهان اسلام نیز از این قاعده شیطانی خارج نبوده و در پیمانهای سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی یکی از دو جریان قدرت شیطانی جهان بطور علنی و غیر علنی وارد شده اند و چاره ای جز این ندارند، بدلیل اینکه نظام حکومتی آنها غیر الهی بوده فلذا به قدرت لایزال الهی متکی نمی باشند و به آن معتقد و مؤمن نیز نیستند و قدرتی هم در دنیای امروز ندارند که بتوانند سر پا ایستند و پایگاه مردمی هم ندارند چون نظام حکومتی غیر الهی آنها مورد تأیید مردم مسلمان نمی باشد. پس برای بقای خود و با اتخاذ سیاست مستبذانه داخلی و حاکمیت دادن به سرمایه داران و اشراف و سران قبایل و غیره در نظام حکومتی خود و بعضاً در پیش گرفتن ظاهری اسلامی و عوامفریبانه (عربستان، پاکستان، سودان) ناچاراً به غرب یا به شرق متکی بوده و مطابق سیاستها و نظرات آنها عمل می نمایند و سرنوشت مسلمین و مصالح جهان اسلام را به پای منافع جهانخواران ظالم قربانی می نمایند. همانطور که ذکر شد تنها جمهوری اسلامی ایران است که به برکت لطف خداوند و اتکا به مبانی اعتقادی مکتب اسلام و رهبری پیامبرگونه امام بزرگوارش و هوشیاری و ایثارگری امت همیشه بیدارش و با صداقت و قاطعیت تمام و بدور از جنجالهای سیاسی و دروغین و با اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی محکم و استوار در مقابل دو جناح قدرت شیطانی جهان یعنی سرمایه داری و سوسیالیسم و مظهر آنها یعنی آمریکا و شوروی ایستاده و با اتکال به نیروی لایزال الهی به پیش می رود تا انشاءالله پیروز استکبار را بخاک مالیده و با بیداری سایر ملل مسلمان جهان بلوک اسلامی را پایه گذاری و زمینه حاکمیت قانون خدا را بر جامعه مسلمان جهان و نهایتاً جامعه بشریت فراهم آورد.

آنچه که بیان شد خصوصیات و وضعیتی بود که فعلاً جهان اسلام در ابعاد مختلف انسانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره با آن دست بگریبان است که بطور خیلی خلاصه ذکر شدند و اکنون عواملی که مؤثر در بوجود آمدن چنین خصوصیتی بوده و یا می باشند در ذیل بیان می گردد.

#### ۱- بوجود آمدن فاصله زیاد بین اعتقاد و عمل در دستورات اسلام:

به طور کلی گاربرد دستورات و برنامه های اسلام منجر به جامعه ای ایده آل فطرت انسانی می گردد و هدف اسلام نیز بوجود آمدن جامعه ای

ایده آل، مشرقی، پشرو و متکی به عدالت و مساوات و قسط اسلامی در سراسر جهان و در زیر پرچم توحید می باشد. بنابراین برای اینکه مسلمانان همیشه پرچمدار عدالت بودند و با افتخار در دنیا زندگی می کردند، می بایستی همزمان با عقیده به دستورات اسلام، در مرحله عمل به آنها نیز کوتاهی نمی کردند و برنامه مشرقی آن را همانطوریکه در صدر اسلام در زمان رهبران اصلی حضرت محمد «ص» و علی «ع» اجرا می شد دنبال می کردند ولی متأسفانه با بوجود آمدن تفرقه بین صفوف مسلمانان و پیدایش افکار ملیت پرستی و تحلیل رفتن احساس مسئولیتها در قبال اسلام و جامعه اسلامی و فرورفتن مسلمانان در لاک خویش و تحقق یافتن تلاشها و برنامه های حکام جور و ستم در جهت مبارزه با اسلام اصیل و سوء استفاده از بعضی دستورات اسلام برای عوامفریبی و تثبیت موقعیت خود و توجیه نادرست احکام اسلام توسط معدودی پیشوایان مذهبی نما و درباری که مردم ناآگاهانه به آنها اعتماد داشتند کم کم حسن ایمانی مسلمین ضعیف گردید و اکثر دستورات اساسی اسلام از صورت حقیقی خود خارج شده و گاهی به جای این که سازنده باشند تخریب کننده شدند و مسلمانان روز بروز بیسوادتر و ناآگاه تر از دستورات اساسی اسلام و مسائل زمان خود گشتند و پس از جنگهای صلیبی استعمارگران مسیحی با گسترش برنامه های غیر اسلامی و تضعیف اعتقادات اسلامی مردم از این ضعف مسلمانان استفاده کرده و بر قدرت و عظمت خود افزودند و یک به یک مناطق مسلمان نشین را زیر نفوذ استعمار خود در آوردند. و در جهت رواج مسائل تخریب کننده افکار کوششهای زیادی با کمک کشیهای مسیحی انجام دادند و مانع از بیدار شدن و حرکت آنها بسوی تمدن جدید شدند و متأسفانه هنوز با بکار بستن روشهای فوق الاشارة با تمام قوا، استکبار جهانی و عوامل دست نشانده آنان در جهان اسلام سعی بر از بین بردن اسلام و دور نگه داشتن مسلمین از احکام اساسی اسلام دارند.

۲- عامل تفرقه و جدایی: دومین عاملی که در گذشته باعث انحطاط مسلمانان و بوجود آمدن ضعف و سستی در صفوف آنها و نفوذ استعمار آشکار و پنهان در جهان اسلام شد و امروزه باعث تداوم وابستگی های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اثرات شوم آن و عقب ماندگی آن می شود، عامل تفرقه و جدایی در جهان اسلام است. در زمان قدیم در اثر برخورد های مذهبی و قومی مسلمانان ضعیف شدند و بر اثر ضعف آنها استعمار غرب در جهان اسلام رسوخ کرد و بیکارچگی و وحدت آنها بهم زده و سرتاسر آن را قطعه قطعه کرده و هر یک از ممالک استعمارگر قطعه ای را زیر نفوذ خود قرار داده بودند که متأسفانه هنوز هم محدوده همان قطعات بعنوان مرز قراردادی مانع از اتحاد مسلمین و بیکارچگی آنان می گردد.

از طرفی دیگر با رشد فکری و حس آزادیخواهی و به کمک روحانیون

روشنفکر و مبارز، نهضت‌های آزادیخواهی در گوشه و کنار جهان اسلام بوقوع پیوست و هریک از قطعات از زیر نفوذ استعمارگران خارج شد ولی رشد مسائلی چون قوم‌پرستی که گاهی استعمارگران در آن مداخله داشتند باعث دور شدن قطعات و ممالک آزاد شده از هم شد و امروز نیز استعمار یکبار نیست و در گوشه و کنار درصدد است که از یک طرف این ممالک مسلمان را به جان هم بیاندازد و برای حفظ منافع خودش مسلمانان را به برادرکشی وادار کند و از طرفی سعی بر این دارد که همین ممالک کوچک شده را به اجزاء کوچکتر تقسیم کند تا این ممالک به سادگی در اختیارشان قرار گیرند و در اثر تحلیل رفتن قدرت، از خود چندان آبروی تصمیم‌گیری نداشته باشند و از طرفی فکر استقلال فرهنگی و سیاسی و رشد اقتصادی و بدست آوردن قدرت در جهان را از سرشان بیرون کنند و چنانچه احیاناً کوششی برای اتحاد و همکاری جهت منافع جهان اسلام صورت گیرد و دست‌های دیگر را بگیرند ممالک استعمارگر به هر طریقی که شده از هیچ اقدامی جهت بهم زدن این همکاری کوتاهی نمی‌کنند.

وقتی جهان اسلام با هم متحد باشد قدرتهای جزء آنها تبدیل به قدرت بزرگی در جهان می‌شود زیرا با احیاء روح ایمان مسلمین و با استفاده از موقعیت طبیعی و منابع اقتصادی خود زمانی که با هم متحد شوند و برای اعتلاء خود به اسلام و علم توجیه کنند و دستهای پست پرده‌ای که آنها را به جان هم می‌اندازد و تفرقه می‌آفریند، بشناسند و واقعاً از آنها دوری گزینند و زنه‌ای سنگین در جهان هستند که قدرتهای شرق و غرب باید در پیش آنها زانو بزنند و اگر غیر این صورت باشد، سرنوشت هر کدام بستگی به سخاوت استکبار جهانی دارد که این سخاوت معکوس قبلاً تشریح شده است.

وقتی ممالک اسلامی با همدیگر متحد نباشند و تشکیل یک بلوک اسلامی را در برابر دو بلوک شرق و غرب ندهند، هریک بسوی پیمانتهای سیاسی و نظامی و اقتصادی شرق و غرب کشیده می‌شوند و بالأجبار در پیمانتهای آنها و برای حفظ منافع آنها شرکت می‌کنند و گاهی اوقات دو گروه مسلمان برادر، بجان هم می‌افتند و فدای منافع دول پیشرفته می‌شوند و خود این موضوع به عقب‌ماندگی توده‌های مسلمان و هدر رفتن نیروهای انسانی و سرمایه‌های بسیار کمک می‌کند، در صورتی که مجموع این سرمایه‌های نظامی می‌تواند چرخهای اقتصاد جهان اسلام را در جهت پیشرفت به حرکت درآورد. در اثر تفرقه و جدایی با توجه به موقعیت طبیعی رودخانه‌ها که معمولاً بین چند کشور مشترک هستند گاهی اوقات خساراتی برای نفوس جهان اسلام بوجود می‌آورد. همانطور که قبلاً دیدیم این رودخانه‌ها جمعیت زیادی را بخود جذب کرده‌اند و منبع معیشت این جمعیت نیز به همین رودخانه‌ها بستگی دارد. حالا مثلاً اگر چنانچه برخوردی بین عراق و سوریه بوجود آید، سوریه می‌تواند اقتصاد

کشاورزی عراق را که جمعیت زیادی را بخود جذب کرده تحت الشعاع قرار دهد. یا حبشه و اوگاندا بواسطه رودخانه نیل بر اقتصاد سودان و همه اینها می‌توانند سرنوشت اقتصاد مصر را تعیین کنند. تقریباً همه رودخانه‌های کوچک و بزرگ جهان اسلام از چنین موقعیتی برخوردارند. بنابراین موقعی که با همدیگر متحد باشند این موضوع مشکلی را بوجود نمی‌آورد.

موقعیت سیاسی تنگه‌ها و ارزش آنها که قبلاً بحث کردیم زمانی می‌تواند مفید باشد که همه ممالک اسلامی با هم متحد باشند و چون این تنگه‌ها و موقعیتهای سیاسی دیگر همان طوری که بحث شد از ارزش زیادی برخوردارند، دول استعماری برای دست داشتن بر آنها از انجام هیچ کاری روگردان نیستند.

با همه این تفصیلهای دیگر مسائل به این نتیجه می‌رسیم که ممالک اسلامی اجزایی از یک پیکر به نام جهان اسلام هستند و تا زمانی که با همدیگر متحد نشده‌اند نمی‌توانند اختیار و قدرت از دست رفته خود را بدست آورند و رکود علمی و فکری و عقب‌ماندگی در اثر این تفرقه را از بین ببرند و استعمارگران و سردمداران مکاتب شرق و غرب برای تجزیه آن و الحاق هریک از قسمتها به خود برای بهره‌وری از آنها می‌کوشند. باید مسلمانان بدانند که آنها نه تنها از موقعیتهای طبیعی و اقتصادی خوبی برخوردارند بلکه از جنبه فکری نیز غنی‌ترین و قوی‌ترین مکتب را دارند و بدون اتکال شرق و غرب می‌توانند خودشان را بسازند و ناجی دیگر ملل جهان و برهم زنده بساط استعمار و ظلم و مستغری باشند.

**۳- نفوذ و گسترش برنامه‌های غیر اسلامی برای اسلام‌زدائی:**  
استعمارگران غربی و شرقی برای نابودی اسلام و نسل جوان مسلمان و تفسیح نیروهای فکری و انسانی و انحراف افکار از طرفی و ایجاد وابستگی فرهنگی و تربیتی از طرف دیگر دست‌اندرکار اجرای برنامه‌های مفصلی بوده و هستند. وقتی نسل جوان جامعه‌ای بی بند و بار، معتاد و حیوان‌صفت بار آمد و روح ایمان و تقوی و پاکی از میانشان رخت بر بست، نابودی آن جامعه دیر یا زود انکارناپذیر است. گسترش مواد مخدر در بین نسل جوان باضافه خسارات مالی و جسمی و اجتماعی، گسترش تبلیغات جنسی و سکسی از مجلات گرفته تا سینماها و غیره و سایر مراکز فساد. گسترش موسیقی و تبلیغات فراوان از آن، هدف شدن ورزشها و دیگر برنامه‌های ضد اخلاقی، همه در جهت نابودی نسل جوان مسلمان و انحراف افکار و یا به عبارتی گسترش استعمار فکری بخدمت گمارده شده‌اند.

نتیجه دیگری که از این برنامه‌ها عاید می‌شود اینست که آن عده از نسل جوان که از این برنامه‌ها سرگشته شده و بدنبال مکتب فکری می‌روند در اثر عدم آشنایی آنها با مکتب مترقی و انسان‌ساز و جامعه‌ساز

بقیه در صفحه ۱۹

اسلامی به طرف مکاتب منحط غربی که هر یک باز وسیله ای جهت نفوذ هدفهای آنها و ایجاد وابستگی فکری به ممالک غربی و شرقی است کشیده می شوند و ضررها دو برابر شده و بهتر به هدفهای خود نائل می گردند.

خطر دیگری که به وابستگی جهان اسلام به غرب کمک می کند موضوع رنگ غربی گرفتن و فرهنگ زدگی و الگو قرار گرفتن عناصر فرهنگ غرب است که در سراسر جهان اسلام مشاهده می شود. برنامه های اقتصادی، آموزشی حقوقی با الهام از روشهای غرب در جهان اسلام اجرا می شود، در صورتی که با طرز فکر اسلامی به هیچ عنوان جور در نمی آید. در زمینه های تربیتی و تعلیم و تربیت، روابط اجتماعی و سایر موارد نیز رنگ غربی به خود مشهود است و این مسئله خطر بزرگی است که وابستگی فرهنگی جهان اسلام را به غرب بیشتر کرده و باعث تحلیل فرهنگ اسلام و اسارت مسلمین در درازمدت می شود. متأسفانه غرب با اجراء سیاستهای فرهنگی خود در قرون اخیر بمنظور اسلام زدائی و جایگزینی عناصر فرهنگی خود در بین جوامع مسلمان موقعتیهای را کسب نموده و به شدت آنرا تعقیب می نماید.

۴ - بیخبری و بی توجهی مسلمانان به علوم و فنون جدید: همانطور که می دانیم در اثر تعلیمات مکتب اسلام قرنهای مسلمانان پرچمدار علم و

دانش جهان بشریت بوده و در زمینه های مختلف طب و پزشکی، ریاضیات، نجوم، شیمی و فیزیک، علوم انسانی و اجتماعی و غیره دانشمندان مشهوری پرورده شدند که برای نمونه می توان از ابن هبشم - جابر بن حیان - بوعلی سینا - محمد زکریای رازی - ابوریحان بیرونی - خواجه نصیرالدین طوسی - شیخ بهائی و غیره نام برد، ولی متأسفانه در اثر انحطاط مسلمین بوپزه پس از جنگهای صلیبی و بی توجهی آنها به اهمیت و نقش علم و دانش، ارو پائیان درصدد پایه گذاری بنیانهای علمی جدید در غرب و با استفاده از دستاوردها و منابع علمی مسلمانان برآمدند و به اختراعات و اکتشافات جدید علمی و تکنیکی دست یافتند و مسلمانان در قرون اخیر از توجه به این امر مهم غافل ماندند. غریبان با استفاده از علوم جدید قدرت شیطانی بزرگی را بهم زده و از آن در جهت توسعه طلبی و سیطره بر ملل جهان خصوصاً مسلمین و استعمار و غارت و چپاول منابع ثروتشان استفاده نمودند و هنوز هم علم و تکنیک همچنان در خدمت پیاده شدن هدفهای ستگران و شیطانی آنها قرار دارد و فاصله زیادی بین مسلمانان با آنها از نظر دستیابی برره آوردهای جدید علمی و تکنیکی بوجود آمده است.

۱ - البته تمام این حق حاکمیتها و موقعیتها برای محدوده ارضی کنونی جهان اسلام است و الاً اسلام مکان و زمان مشخص ندارد و با کوشش مسلمانان، تمام جهان محدوده ارضی اسلام می تواند باشد و از طرفی ارزش این موقعیتها در امروز نیز منوط به اتحاد و همکاری مسلمانان با همدیگر می باشد.

بقیه از شأن نزول آیات

یک فرد، مصداق دیگری ندارد. یعنی کسی که در حال رکوع به فقییر صدقه داده است در آن زمان جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام دیگری نبوده است.

در هر صورت، شأن نزول نقش تخصیص دهنده در آیه نازل می شود و دوام آیه به از بین رفتن مصداق از بین نمی رود، اگر چه توجه به شأن نزول هر آیه و سوره در رسیدن به محتوای آنها از نقش مؤثری برخوردار است.

امام باقر علیه السلام در ادامه آن حدیث که نقل شد می فرماید:

«ولکن القرآن بجری اوله علی آخره ما دامت السموات

والارض ولكن قوم آیه بتلونها هم منها من خیر اوشر»<sup>۱</sup>

ولی سراسر قرآن یک حقیقت است که از آغاز تا پایانش بهم ارتباط دارد تا نظام وجود هست و تا آسمانها و زمین بر پاست و هر قومی آیه ای را تلاوت می کنند، می بینند شامل حالشان می شود.

آنگاه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امام باقر فرمود: «یا محمد! اذا سمعت الله تعالی ذکر احداً من هذه الأمة بخیر فنحن هم واذا سمعت الله تعالی ذکر قوماً بسوء ممتن

مضی فهم عدوتنا»

ای محمد بن مسلم! اگر شنیدی خداوند یکی از افراد این امت را به خوبی یاد کرده، بدان که مقصود ما هستیم و اگر شنیدی خداوند تبارک و تعالی در آیه ای، قومی را در گذشته به بدی و سوء یاد کرده، بدان که منظور دشمنان ما است. یعنی هر جای قرآن که دیدی سخن از فضیلت و خوبی است، ما و همفکران و پیروان ما را شامل می شود و هر جا دیدی سخن از تعبیر و توبیخ و سرزنش کفار و بداندیشان گذشته است، منظور دشمنان و مخالفان ما است چه آنها اکنون موجود باشند یا بعد از این بیایند ولی اصل کلی شامل همه آنها می شود. پس قرآن کریم مفید اصول کلیه است و تطبیقش بر مصداق، موجب حصر آن قانون کلی نخواهد بود.

- ۱ - سوره بقره - آیه ۱۸۵
- ۲ - سوره فرقان - آیه ۳۱
- ۳ - سوره مجادله - آیه ۱
- ۴ - در روایتی دیگر که مرحوم کلینی از امام باقر علیه السلام - در کتاب کافی ج ۲ - ص ۶۲۸ - نقل کرده حضرت می فرماید: قرآن چهار قسمت است: یک چهارم در باره ما و یک چهارم در باره دشمنان ما و یک چهارم سنن و امثال و یک چهارم احکام و واجبات و فرایض است. در هر صورت، این روایت هیچ مخالفتی با روایتی که نقل شد ندارد و هر دو یک مضمون را می رسانند.
- ۵ - آیات ۱۵ و ۱۶ سوره احزاب - آیه ۶ - سوره احزاب - ۷ - سوره مائده - آیه ۵۵
- ۸ - این روایت را عتاشی نیز در تفسیر خود نقل کرده است.